

فصلنامه علمی- پژوهشی **رهافت**

سال یازدهم، شماره ۴۰، پاییز ۱۳۹۶
صفحه ۲۵ تا ۴۴

روند اسلام‌گرایی در ترکیه و آینده اسلام سیاسی

مسعود نوری تل زالی / دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی
دانشگاه علامه طباطبائی masoodnori@chmail.ir

حشمت اله فلاحت پیشه / استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه
طباطبائی (نویسنده مسئول) drfalahatpisheh@yahoo.com

چکیده

مقاله حاضر با هدف آینده پژوهی اسلام سیاسی در کشور ترکیه به روش کیفی و مصاحبه با خبرگان انجام شده است. تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد پیشران‌های اسلام سیاسی در ترکیه شامل ۱۲ مورد به ترتیب: تضاد طبقاتی و زوال اقتصادی؛ بحران مشروعیت دولت؛ بحران فرهنگ و مدرنیزاسیون؛ ساختار مذهبی، قومی و رشد اسلام‌خواهی در جامعه؛ رشد و توسعه جامعه مدنی؛ بسط و تعمیق سکولاریسم در جامعه؛ متغیرهای بین‌المللی؛ تأثیر انقلاب اسلامی ایران؛ تحولات اجتماعی عوامل کلان و ساختاری؛ اوزالیسم و تضعیف کمالیسم افراطی؛ تحول‌های سیاسی و تغییر موازنه قوا؛ ظهور حزب عدالت و توسعه و پیشبرد دموکراسی هستند. نتایج پژوهش با توجه به مصاحبه کیفی و طیف پاسخ خبرگان، نشان می‌دهد که آینده اسلام سیاسی در ترکیه با توجه به وجود پیشران‌های گروه‌های اسلام‌گرا با قوت بیشتری در حاشیه چالش‌های قومی، لائیسزم با شرایط ثبات قومی شکل خواهد گرفت. فرضیه پژوهش در سطح ۹۵٪ اطمینان برابر (۵٪ خطا) حد بالا مثبت و حد پایین منفی می‌باشد و میزان خطای مشاهده شده برابر (۰,۰۷۰) می‌باشد که بیشتر از مقدار ۰,۰۵ است. بنابراین فرضیه پژوهش، پذیرفته و تایید می‌شود.

کلیدواژه: اسلام سیاسی، ترکیه، آینده پژوهی، گروه‌های اسلام‌گرا.

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۰۴/۱۵ تاریخ تأیید ۱۳۹۶/۰۷/۲۰

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری آقای مسعود نوری می‌باشد.

مقدمه

در سال‌های اخیر مبحث اسلام سیاسی توجه محققین بسیاری را به خود جلب نموده است به گونه‌ای که موضوع بسیاری از تحقیقات در سرتاسر منطقه بوده است. یکی از مهم‌ترین عوامل این علاقه را می‌توان روند رو به رشد دموکراتیک شدن کشورها دانست. اسلام سیاسی یکی از دیدگاه‌هایی است که گوی سبقت را از دیگر دیدگاه‌ها ربوده است. اصطلاح اسلام سیاسی، اصطلاحی جدید است که در برابر اسلام سنتی پدید آمده است و به دنیای مدرن تعلق دارد (حسینی زاده، 1386: 17). اسلام سیاسی می‌کوشد که ابتدا حوزه سیاست را به دست بگیرد تا پس از آن به امر اجتماعی و فرهنگی وارد بشود. در نهایت اسلام سیاسی در منطقه خاور میانه، طرح جایگزین نظام حکومتی به سبک غربی را مطرح می‌نماید و تشکیل دولت طبق موازین اسلام را هدف خود می‌داند. از این رو عدم جدایی دین از سیاست و لزوم حضور دین در عرصه سیاست را مورد تأکید قرار می‌دهد و در جهت اجرایی نمودن مطلوبیت‌های مورد نظر خود، حالت سکون، محافظه کار و تدافعی ندارد.

اسلام محافظه کار به لزوم همراهی با اصول و قوائد حاکم بر سیاست جهان می‌پردازد، اما اسلام سیاسی در مقابل، علاوه بر مبارزه با هنجارهای نامطلوب، به ایجاد هنجارهای مطلوب مورد نظر خود در عرصه سیاست جهانی اقدام می‌نماید. خاور میانه، متشکل از حدود 22 کشور عمدتاً اسلامی است که با دارا بودن حدود 30 درصد از تولیدات و 60 درصد از منابع هیدروکربنی و مراکز مهم و عمده مذهبی و دینی، حلقه ارتباطی بین آسیا، اروپا و آفریقا به شمار می‌رود و در نظام بین‌الملل به عنوان یک واحد سیاسی مستقل و با هویت خاص، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد (دراستیدل و بلیک، 1369: 20).

ترکیه کشوری اوراسیایی است که بخش بزرگ آن یعنی آناتولی یا آسیای کوچک در جنوب غرب آسیا و منطقه خاور میانه واقع شده است و بخش کوچکی نیز به نام تراکیه در منطقه بالکان (منطقه‌ای در جنوب خاور اروپا) قرار دارد. ترکیه عضو جنبی جامعه اروپا است و اکنون با اجرای اصلاحاتی سعی در تحکیم و تقویت مردم سالاری و اقتصاد خود دارد تا بتواند مذاکرات برای عضویت در اتحادیه اروپا را آغاز نماید. مبنای حرکت‌های میانه‌رو در جهان اسلام، فعالیت‌های حزب عدالت و توسعه در ترکیه به شمار می‌رود (Ziya, 2006: 145)، از سال 2012 به بعد و در سایه توجه اسلام‌گرایان تُرک به خاور میانه، روابط بین‌الملل و مناسبات سیاسی این کشور ابعادی نوینی به خود گرفته است.

بنابراین تحولات اسلام سیاسی در خاورمیانه و شناخت آینده این تحولات با تاکید بر کشور ترکیه به عنوان مسئله اصلی مقاله حاضر مطرح شده است. بر همین اساس سوال تحقیق عبارت است از: روند تحولات اسلام سیاسی در کشور ترکیه چگونه پیش‌بینی می‌شود؟ که برای پاسخ به این پرسش، فرضیه تحقیق عبارت است از: آینده اسلام سیاسی در ترکیه با توجه به وجود پیشران‌های گروه‌های اسلام‌گرا با قوت بیشتری در حاشیه چالش‌های قومی، لائیسزم با شرایط ثبات قومی شکل خواهد گرفت.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ روش اجرا از جمله مطالعات کیفی - اسنادی به شمار می‌آید، زیرا برای تحلیل اطلاعات به دست آمده از روش آینده پژوهی استفاده شده است. برای گردآوری مطالب پایه و مبانی نظری و اشراف به موضوع از مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل خبرگان و کارشناسان علوم سیاسی، مطالعات راهبردی، روابط بین‌الملل، کارشناسان منطقه خاورمیانه و آینده پژوهی بوده که حجم نمونه برابر 15 نفر خبره می‌باشد. برای دست‌یابی به نظرات و تحلیل‌های خبرگان و صاحب‌نظران نیز از ابزار مصاحبه عمیق کیفی استفاده شده است. همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش سناریو پردازی و روند پژوهی انجام شده است. پس از شناسایی گروه‌های کانونی، نشست‌های تخصصی خبرگان برگزار گردید و در اولین مرحله پرسش اصلی تحقیق برای شناسایی متغیرها، مؤلفه‌ها (روندها و پیشران‌ها) و سپس شاخص‌های هر فرضیه مورد بررسی قرار گرفته است. پس از جمع‌آوری پرسش‌ها از سوی پاسخ‌دهندگان، نتایج جمع‌آوری شده و با یکدیگر مقایسه شده‌اند. در ادامه نیز پاسخ‌های به دست آمده برای خبرگان ارسال شده تا نظرات خود را درباره نتیجه حاصله اعلام کنند. در نهایت پاسخ‌نهایی از طریق روش تحلیل داده‌های کیفی، سناریو نویسی و روند پژوهی مورد تجزیه و تحلیل و رتبه‌بندی قرار گرفته است.

نظریه گفتمان اسلام سیاسی

بر اساس نظریه گفتمان، اسلام سیاسی گفتمانی است که هویت اسلامی را در کانون عمل سیاسی قرار می‌دهد. در گفتمان اسلام سیاسی، اسلام به یک دال برتر تبدیل می‌شود. بایستی معتقد است که مفهوم اسلام سیاسی بیشتر برای توصیف آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلام به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. بنابراین اسلام سیاسی را می‌توان گفتمانی به حساب آورد که گرد مفهوم مرکزی حکومت

اسلامی نظم یافته است. اسلام‌گرایی طیفی از رویدادها از پیدایش یک ذهنیت اسلامی گرفته تا تلاشی تمام عیار برای بازسازی جامعه مطابق با اصول اسلامی را دربر می‌گیرد (بهروزلک، 1386: 62).

اندیشمندان روابط بین‌الملل و علوم سیاسی از فرایند دموکراسی سازی به عنوان موج یاد می‌کنند که این امواج در بازه‌های زمانی مشخص در یک منطقه از جهان، تحولاتی را در جهت تحکیم و تثبیت دموکراسی در محیط زیرمجموعه خود باعث می‌شوند. بر اساس نظریه «موج سوم دموکراتیزاسیون (1974-2005)» هانتینگتون میزان دموکراتیک شدن کشورها را نسبت به موج اول آن (1828-1926) دو برابر توصیف کرده است (هانتینگتون، 1390: 85). لیکن در برخی مطالعات نشان داده شده است که خاورمیانه کمتر تحت تأثیر موج‌های مختلف دموکراسی بوده است به گونه‌ای که از آن به نام «فاصله دموکراتیک» یاد کرده‌اند. در مقابل برخی بر این باورند که سیاست اسلامی دارای تنوع و پویایی است و یکی از قوی‌ترین رویکردها در دیدگاه‌های اسلامی مبتنی بر تأیید سیاست‌های انتخاباتی است. هانتینگتون عنوان می‌دارد: «تبلیغ ارزش‌های غربی به عنوان ارزش‌های جهان شمول، به تهییج واکنش‌هایی از نوع بنیادگرایی اسلامی کمک می‌کند که نقاط بسیاری از جوامع اسلامی را فرا گرفته است. عدم موفقیت ناسیونالیسم و سوسیالیسم عربی، زمینه جنبش «اسلامی کردن مجدد» در خاورمیانه را فراهم ساخته است.» (موحد، 1376: 6).

امروزه یکی از مباحث مهم و مورد بحث در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی، مسائل مربوط به گذار و تحکیم دموکراسی است. مباحث دموکراتیزاسیون و نظریات مربوط به آن، گذشته از ارزش علمی و نظری‌اش و اهمیتی که در بسط و گسترش رشته سیاست تطبیقی و جامعه‌شناسی سیاسی دارد و برای عالمان علم سیاست و جامعه‌شناسان سیاسی، مطالعه‌ای سودمند و مفید خواهد بود، برای فعالان عرصه سیاست نیز دارای اهمیت است. در حوزه مباحث مربوط به روند دموکراتیزاسیون، سه دسته از نظریات ساختارگرایانه، کنشگرایانه و تلفیقی (چندبعدی) تلاش کرده‌اند تا مباحث مربوط به گذار و تحکیم دموکراسی را تبیین کنند؛ در این نگارش از نظریات دسته سوم کمک گرفته شده است؛ نظریاتی که با نگاهی چندبعدی سعی دارند از مزایای نظریات پیشین بهره‌مند و از معایب آنها دور باشند. در مقابل، نظریه لیتز و استپان در عین حال که بازگشت به نظریات ساختارگرایانه است، عوامل ساختاری و نهادی را که بستر کنش‌های سیاسی را شکل می‌دهند، به تحلیل خود

وارد می‌کند؛ در این نظریات، کنش بازیگران سیاسی در بستر تاریخی، اجتماعی و اقتصادی جامعه تحلیل می‌شود؛ این رهیافت توضیح می‌دهد که چگونه تغییرهای ساختاری، امکان نحوه گذار را شکل می‌دهند و توضیحی مفیدتر از کنش‌های سیاسی درون این چارچوب‌ها ارائه می‌دهند و می‌توان نشان داد که چگونه گزینه‌های کنشگران سیاسی تابع این ساختارهای کلان، معین و محدود می‌شود و امکانات و محدودیت‌هایی خاص را پیش روی کنشگران قرار می‌دهد. باید توجه داشت که این دیدگاه، دیدگاهی جبرگرایانه نیست و ساختارها انتخاب‌های کنشگران را تعیین نمی‌کند، بلکه فقط زمینه‌ای را که اتفاق‌های در آن رخ می‌دهند، شکل می‌دهند؛ این نظریات علاوه بر اینکه برای حوزه سیاست‌شأنی مستقل قائل هستند، معتقدند میان عوامل کلان و ساختاری با عرصه خرد و حوزه سیاست رابطه‌ای دوسویه و متقابل وجود دارد (کدیور، 1386: 103).

اندیشه سیاسی در اسلام نسبتی با دین اسلام و پیش‌نیازی به نام دین یا اسلام است (برزگر، 1389: 43). برخی از نظریه‌پردازان اساساً به زمینه‌های روانی چنین پدیده‌ای پرداخته‌اند که این زمینه روانی عمدتاً در واکنش به مجموعه‌ای از تحولات سیاسی و اجتماعی بزرگ‌تر رخ داده‌اند (دکمجیا، 1390: 107). «رضوان السید» در کتاب خود با عنوان اسلام سیاسی معاصر: در کشاکش هویت و تجدد، مسئله اسلام سیاسی را به عنوان نوعی خودآگاهی در جامعه مسلمانان در جهان توصیف می‌کند (السید، 1383: 240). بابی سعید نیز در کتاب هراس بنیادین: اروپا مداری و ظهور اسلام‌گرایی، عمدتاً بر مسئله استعمار و گسترش و نفوذ فرهنگ تجدد به عنوان دلیل اصلی اسلام سیاسی تأکید می‌کند (سعید، 1379: 118). بنابراین، رویارویی جوامع اسلامی با پدیده مدرنیته به مثابه دلیل اصلی تلاش برای صورت‌بندی گفتمانی جدید با عنوان اسلام سیاسی است (کوپر و دیگران، 1380: 44).

روند اسلام سیاسی در ترکیه

جمهوری ترکیه تجربه‌ای شکننده و پرتحول از دموکراسی را سپری کرده است. این کشور با یک تغییر سهمگین از طرف سکولاریسم غرب مواجه شد و اختلاف و کشمکش میان اسلام و سیاست یک حادثه تاریخی جدید نوظهور در ترکیه است، که در چارچوب تمدن‌سازی کنونی نمی‌تواند به این اختلاف که در تمدن مسلمانان و مسیحیان نمایان است پاسخ دهد. با توجه به ورود اسلام‌گرایان (حزب عدالت و توسعه) به عرصه قدرت نظام سیاسی ترکیه از کانال دموکراسی، تحول‌های سیاسی ترکیه به سمت تحکیم و تثبیت در

حرکت است و تحول‌های ساختاری کلان و موازنه قدرت نوین عرصه سیاسی ترکیه، زمینه‌ساز تحکیم این فرایند هستند (مطلبی و زمانی، 1393: 137).

امروزه دموکراسی واقعی نه لزوماً نوعی نظام آرمانی، بلکه شیوه‌ای برای اعمال حاکمیت است که می‌تواند دو بعد حیات سیاسی یعنی نزاع و اجماع را به‌خوبی با هم تلفیق کند؛ اما دموکراسی هنگامی می‌تواند به شیوه صحیح خود عمل کند که به مرحله تحکیم و تثبیت رسیده‌باشد. چنانکه ساموئل هانتینگتون، معتقد است: «مهم‌ترین درس تاریخ دموکراتیزاسیون، آن است که دشواری کار نه در پایان‌دادن به رژیم غیر دموکراتیک بلکه در ایجاد نهادهای دموکراتیک باثبات است» (هانتینگتون، 1383: 125). جمهوری ترکیه گذار اولیه به دموکراسی را در دهه 1950 و طی پیروزی حزب اپوزوسیون بر جریان وفادار به آتاتورک تجربه کرد و از آن مقطع، ما همواره انتخابات دموکراتیک و رقابتی در ترکیه را شاهد بوده‌ایم؛ هانتینگتون همچنین معتقد است پیش از آنکه بتوان یک حکومت را دموکراتیک دانست، باید دست‌کم دوبار دولت از راه انتخابات تغییر یافته‌باشد. ترکیه برخلاف سنت خاورمیانه که در آن انتخابات، دولت‌ها را تغییر نمی‌دهد، بلکه این دولت‌ها هستند که در انتخابات دستکاری می‌کنند، این آزمون را بارها از سرگذرانده است.

اما مشکل اساسی، اینجاست که دموکراسی ترکیه، همواره با عدم تحکیم و تثبیت، مواجه بوده‌است. در جامعه پرشکاف ترکیه با کشمکش‌های مزمن و بلندمدت در عرصه سیاست و اجتماع، دموکراسی همواره از خصلت ناپایداری و شکنندگی بهره‌مند بوده‌است؛ در واقع بی‌ثباتی‌های سیاسی ناشی از رقابت‌های حزبی و آشوب‌های اجتماعی از یک سو و مداخلات پیاپی نظامیان به دلیل قدرت اعمال نفوذ بالای این نهاد، دموکراسی ترکیه را در سیکل معیوب و متزلزلی گرفتار کرده‌است. با این حال، این فراز و نشیب‌ها در روند دموکراسی ترکیه، ماهیتی تکاملی داشته‌اند و در چند دهه اخیر، شاهد افزایش میزان ثبات سیاسی و تکمیل دموکراسی در ترکیه بوده‌ایم. انتخابات پارلمانی ترکیه که در تاریخ 22 ژوئیه 2007 برگزار شد، نشان‌داد که ترکیه گامی قابل توجه نسبت به تحکیم دموکراسی و حکومت غیرنظامی برداشته است به گونه‌ای که مشارکت مردم در بستر مشروعیت حزب عدالت و توسعه، نمایان شد (Gunes murat tezcur, 2007: 5).

اسلام‌گرایی و چالش‌های قومی یا لائیسزم در ترکیه

بزرگترین چالشی که ترکیه با آن مواجه است از میراث کمالیزم که استفاده از یک مدل غربی برای مدرن کردن ترکیه بود، نشات می‌گیرد. این مدل طی 10 تا 15 سال گذشته